

عنوان : چالش‌های فرایند سیاستگذاری تغذیه در ایران

سعید صادقیان شریف

مقدمه و هدف:

نقش و اهمیت تغذیه سالم در رشد و توسعه جوامع از یک سو و درگیر شدن جوامع مختلف از جمله کشورهای در حال توسعه با چالشی به نام "گذار تغذیه‌ای" از سوی دیگر، امروزه اهمیت سیاستگذاری در حوزه غذا و تغذیه را برای تحقق اهداف حوزه‌های مختلف توسعه و بخصوص حوزه سلامت دو چندان نموده است. افزایش شیوع چاقی در تمام گروه‌های سنی و بار بیماری‌های مرتبط با آن که ناشی از تغییرات سریع در شیوه زندگی ایرانیان (تغییر در الگوی غذایی و سطح فعالیت بدنی) بوده است به همراه سوءتغذیه ناشی از کمبود دریافت برخی ریزمغذی‌ها از جمله مشکلات حوزه سلامت می‌باشد که کنترل آنها نیازمند سیاستگذاری‌های هدفمند و جامع در بخش تغذیه است.

این پژوهش با هدف تعیین چالش‌های سیاست تغذیه در ایران و طبقه‌بندی و خلاصه‌سازی آن در قالب مراحل مختلف چارچوب سیاستگذاری *stages heuristic* انجام شده است.

مواد و روش‌ها:

این مقاله یک مطالعه کیفی است که نتایج حاصل از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته انجام شده بر روی سیاستگذاران و ذینفعان حوزه تغذیه در ایران (۲۳ نفر) و کارشناسان مسئول تغذیه شاغل در برخی از دانشگاه‌های علوم پزشکی ایران (۳۶ نفر) را در خصوص چالش‌های فرایند سیاستگذاری تغذیه، جمع‌بندی و گزارش مینماید. در این مطالعه تکنیک مصاحبه چهره به چهره و پرسشنامه دارای سوالات باز جهت جمع‌آوری داده‌ها به ترتیب برای سیاستگذاران و کارشناسان تغذیه استفاده شده است. مصاحبه‌ها تا زمان رسیدن به اشباع نظری پیش رفت.

سوالات مصاحبه و پرسشنامه‌ها توسط تیم تحقیق و با کمک برخی از کارشناسان این حوزه تهیه شده بوده و قبل از آغاز پرسشگری بطور پایلوت استفاده و اصلاح شده است. پس از اتمام هر مصاحبه، اطلاعات حاصله بلافاصله مکتوب شده و جهت تأیید مصاحبه شونده برای ایشان ارسال میشود. همچنین محققین در صورت لزوم جهت بررسی موارد مورد اشاره

مصاحبه شوندگان (پرسش شوندگان) اسناد و مدارک مربوط را نیز از طریق دفتر بهبود تغذیه جامعه وزارت بهداشت ایران دریافت و بررسی می‌کردند.

نتایج مصاحبه‌ها و پرسشنامه‌ها پس از اتمام، توسط دو نفر از اعضای تیم تحقیق و با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA بطور مجزا کدگذاری گردید و سپس جهت درک بهتر، چالش‌های فرایند سیاستگذاری تغذیه در قالب چارچوب سیاستگذاری stages heuristic طبقه بندی شد. این چارچوب، فرایند سیاستگذاری را در ۴ بخش تعریف مشکل (Problem identification)، پیکربندی سیاست (Policy formulation)، اجرای سیاست (Policy Implementation) و ارزیابی سیاست (Policy evaluation) تقسیم‌بندی مینماید.

در این مطالعه جهت اطمینان از یافته‌های حاصله و روایی و پایایی آنها، ۴ ویژگی مربوط به مطالعات کیفی شامل Credibility، conformability، transferability و dependability مدنظر بوده است. محققین ضمن حضور دائم در فضای تحقیق، سعی در فهم بهتر دیدگاه‌های گروه تحت مطالعه داشته اند تا بدین ترتیب به یافته‌های خود اعتبار بخشیده باشند، همچنین جهت dependability یا پایایی یافته‌ها، نتایج مصاحبه‌ها و پرسشنامه‌ها پس از اتمام، توسط دو نفر از اعضای تیم تحقیق بطور مجزا کدگذاری گردید و جهت conformability یافته‌ها و بمنظور کنارگذاشتن عقاید و پیش‌فرض‌های احتمالی محققین، یک داور خارج از گروه تحقیق نیز کدگذاری‌های انجام شده را مورد بررسی و تأیید قرار داد. انتخاب شرکت کنندگان از گروه‌های مختلف و متنوع نیز جهت حفظ transferability مطالعه انجام گرفته بود.

یافته‌ها :

چالش‌های فرایند سیاستگذاری تغذیه در بخش تعریف مشکل :

بخش تعریف مشکل در چارچوب چرخه سیاستگذاری این مفهوم را تشریح میکند که چگونه یک مشکل از میان مشکلات موجود تبدیل به یک اولویت میشود و چرا برخی از مشکلات در اولویت سیاستگذاری قرار نمی‌گیرد. نتایج این مطالعه چنین نشان میدهد که در این بخش بدلایلی نظیر، کمبود مطالعات جامع و به روز جهت شناسایی مشکلات، وجود ذینفعان متعدد و قدرتمند در حوزه‌های مرتبط با غذا و تغذیه و تضاد منافع بین آنها، کم‌توجهی سیاستگذاران ارشد به موضوع تغذیه و فقدان هماهنگی‌های بین بخشی. فرایند تعریف مشکلات تغذیه‌ای و اولویت بندی آنها در ایران به ندرت از شناسایی و تشریح همه‌جانبه آن تا یافتن راه حل مناسب ادامه می‌یابد.

براساس نظر شرکت کنندگان، کمبود مهارتهایی نظیر حمایت طلبی، لابی کردن و چانه‌زنی در سیاستگذاران این حوزه در ایران موجب شده است که علی‌رغم اهمیت موضوعات و مشکلات تغذیه‌ای، این موضوعات به ندرت مورد توجه سیاستگذاران ارشد جهت سیاستگذاری قرار گیرند. شرکت کنندگان آموزش علوم تغذیه صرفاً بصورت clinical-oriented را از جمله دلایل کمبود چنین مهارتهایی در نزد کارشناسان تغذیه دانسته‌اند.

چالش‌های فرایند سیاستگذاری تغذیه در بخش Policy formulation :

در چرخه سیاستگذاری این بخش تشریح کننده این موضوع است که چگونه برای یک مشکل اولویت دار، راه حل تعریف میشود و چگونه این راه‌حل مورد توافق ذینفعان آن قرار میگیرد. این مطالعه حسب نظر شرکت کنندگان، چالش‌های این بخش را در قسمت‌های زیر طبقه بندی نموده است.

- تنظیم سند ملی تغذیه و امنیت غذایی،

این سند که با هدف جلب مشارکت عموم ذینفعان حوزه تغذیه و تعهد آنها برای حل مشکلات اولویت‌دار این حوزه طراحی شده است، عدم حضور نمایندگان ارشد سازمان‌های ذینفع موجب شده است که این سند تعهد کافی را برای همکاری آنها در راستای اجرای آن ایجاد ننماید.

- فرمولاسیون سیاست

نظرات شرکت کنندگان عمده چالش این بخش را کمبود توجه به سیاستگذاری مبتنی بر شواهد و ارتباط ضعیف مجریان و اعضا هیئت علمی در سطوح ملی و استانی عنوان نموده است.

- مشارکت ذینفعان

براساس نظرات شرکت کنندگان، علی‌رغم تلاش‌های صورت گرفته جهت جلب همکاری‌های مشترک بین ذینفعان مختلف حوزه تغذیه و شکل‌گیری شورای عالی سلامت و امنیت غذایی، نگرش اکثر ذینفعان به موضوعات تغذیه‌ای در تصمیم‌گیری‌ها ضعیف است. همچنین به مشارکت مردم (سازمان‌های مردم‌نهاد) در سیاستگذاری‌ها توجه چندانی صورت نمیگیرد.

- چالش‌های فرایند سیاستگذاری تغذیه در بخش اجرا :

وجود رویکرد بالا به پایین در اجرای سیاست‌ها، درگیرکردن محدود و ناقص مجریان استانی در تصمیم‌گیری‌ها و سیاستگذاری‌های کلان، پیچیدگی تعاملات بین بخشی در اجرای سیاست‌ها، مشکلات ساختاری دفتر تغذیه وزارت بهداشت، فقدان ساختار مستقل دفتر بهبود تغذیه در سطح دانشگاه‌ها و روشن نبودن الزامات اجرای برنامه و همچنین محدودیتهای بودجه‌ای از جمله چالش‌های مرتبط با این بخش از فرایند سیاستگذاری بوده است که توسط شرکت کنندگان در این مطالعه گزارش شده است.

از آنجاکه مداخلات تغذیه‌ای نیازمند همکاری‌های بین‌بخشی است، ضعف در ایجاد این قبیل همکاری‌ها و همچنین همپوشانی وظایف دفتر بهبود تغذیه و سازمان غذا دارو در اجرای برخی سیاست‌ها (نظیر سیاست غنی‌سازی آرد با آهن) مهم‌ترین چالش‌های فرایندسیاستگذاری تغذیه در بخش اجرا بوده است.

چالش‌های فرایند سیاستگذاری تغذیه در بخش ارزشیابی سیاست:

ارزشیابی یک سیاست، پیامدهای مرتبط با آن سیاست را پس از اجرا بررسی و گزارش مینماید. رسیدن آن به اهداف و دلایل تحقق یا عدم تحقق اهداف آن را تحلیل میکند.

فقدان سیستم سوریولانس غذا و تغذیه در ایران ، عدم ارزیابی دقیق اکثر سیاست‌ها و برنامه‌ها ، هزینه بالای ارزشیابی سیاست‌های تغذیه‌ای، فقدان شاخص‌های متناسب با سیاست‌ها، نگرش نامناسب سیاستگذاران به ارزشیابی سیاست‌های آنها از سوی سایر نهادها موجب شده است که براساس نظرات شرکت‌کنندگان ، ارزشیابی اثربخشی سیاست‌های در فرایند سیاستگذاری تغذیه کمتر مورد توجه باشد.

بحث و نتیجه‌گیری:

ماهیت چندبخشی فرایند سیاستگذاری در حوزه تغذیه و ضعف تعاملات بین‌بخشی جهت اجرای مطلوب فرایندهای مرتبط با آن به همراه مشکلات مالی در اجرای آنها که در این مطالعه نیز بعنوان مهم‌ترین نقاط ضعف فرایندهای سیاستگذاری در ایران معرفی شدند، در برخی دیگر از مطالعات نیز گزارش شده اند. به نظر می‌رسد که دیدگاه بالینی به موضوع تغذیه که در آموزش‌های مرتبط با این رشته وجود دارد. موجب ضعف سیاستگذاران و کارشناسان این حوزه در پرداختن به جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی مرتبط با تغذیه و ضعف آنها در کسب قابلیت‌های لازم جهت همکاری‌های بین‌بخشی نظیر حمایت طلبی، چانه‌رنی و لابی کردن شده است.

Massomeh Goshtaei, Hamid Ravaghi, Ali Akbari Sari, Zahra Abdollahi, 2016, **Nutrition policy process challenges in Iran**, Volume 8, Issue 2, February